

جهان و انتخابات آمریکا

مردم سراسر جهان قادر به رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیستند، اگرچه نتیجه این انتخابات در زندگی اکثر مردم جهان تأثیر دارد.



جوزف استیگلیتز*

مردم سراسر جهان قادر به رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیستند، اگرچه نتیجه این انتخابات در زندگی اکثر مردم جهان تأثیر دارد. آنطور که می‌گویند، غیرآمریکایی‌ها مشتاق پیروزی دوباره اوباما هستند نه برنده شدن میت رامنی. دلایلی هم برای این اشتیاق دارند. از نظر اقتصادی، تأثیر سیاست‌های رامنی در ایجاد یک جامعه نابرابر و متفرق به‌طور مستقیم در خارج از آمریکا احساس نمی‌شود. اما در گذشته، درست یا غلط، دیگران معمولاً از آمریکا به‌عنوان یک نمونه پیروی کرده‌اند. بسیاری از دولت‌ها خیلی زود مشتری آموزه‌های رونالد ریگان درباره سیاست‌های قانون‌گریز برای بازار شدند. سیاست‌هایی که بدترین رکود جهانی را از دهه 1930، رقم زد. کشورهای دیگری که به‌دنبال مسیر آمریکا تحت رهبری او حرکت کردند، نابرابری گسترده، جمع‌شدن پول و ثروت در رأس و فقر در کف جامعه و همچنین ایجاد یک طبقه متوسط ضعیف را تجربه کردند.

سیاست‌های پیشنهادی رامنی برای اقتصاد که مهم‌ترین آن، تلاش برای کاهش کسری بودجه در این وضعیت شکننده اقتصاد آمریکاست، بدون شک به تضعیف بیشتر این اقتصاد منجر خواهد شد و اگر بحران یورو عمیق‌تر شود، حتی می‌تواند یک رکود دیگر را رقم بزند. در این شرایط، با توجه به کاهش تقاضا در بازار آمریکا، بقیه دنیا تأثیرات مستقیم سیاست‌های رامنی در مقام رئیس‌جمهور آمریکا را به‌طور مستقیم در زندگی خود احساس خواهند کرد.

اینجاست که پرسش جدی درباره جهانی‌شدن به‌وجود می‌آید. آنچه در ارتباط با تجارت، تغییرات آب‌وهوایی، مسائل مالی و مجموعه‌ای از مسائل دیگر مورد نیاز بوده، تاکنون توسط جامعه جهانی انجام نشده‌است. بسیاری این ناکامی‌ها را به فقدان رهبری آمریکا ربط می‌دهند. رامنی در سخنرانی‌هایش تلاش می‌کند بگوید که رهبری قدرتمند برای آمریکاست و رهبری آمریکا را احیا می‌کند، اما دنیا اعتمادی به این سخنان ندارد زیرا باور دارد که او آمریکا و بقیه جهان را به مسیری نادرست می‌برد.

منحصر به فردگرایی آمریکایی در داخل این کشور خریدار دارد اما در خارج نه. جنگ عراق که توسط جورج بوش آغاز شد، بدون شک نقض قوانین بین‌الملل بود و نشان داد اگر چه آمریکا به اندازه مجموع کل دنیا پول صرف هزینه‌های نظامی می‌کند، اما نمی‌تواند کشوری با جمعیت کمتر از 10 درصد جمعیت خودش و با تولید ناخالص داخلی معادل یک درصد خودش را کنترل کند.

اکنون معلوم شده که سرمایه‌داری به شیوه آمریکایی نه کارآمد است و نه باثبات. درحالی‌که درآمد اکثر آمریکایی‌ها در یک دهه ونیم گذشته کاهش یافته، اکنون کاملاً معلوم است که الگوی اقتصادی آمریکا چیزی به شهروندان آمریکایی نداده‌است. این واقعیت ملموس برای آمریکایی‌هاست و مهم هم نیست که آمار و ارقام رسمی چه می‌گویند. مشکل‌زا بودن این مدل حتی قبل از به پایان رسیدن دولت جورج بوش معلوم شده‌بود. مجموعه‌ای از عوامل از جمله نقض حقوق بشر، رکود اقتصادی بزرگ و پیامدهای قابل پیش‌بینی سیاست‌های اقتصادی بوش، قدرت نرم آمریکا را تضعیف کرد و جنگ‌های عراق و افغانستان هم اعتبار قدرت نظامی این کشور را زیر سؤال برد.

از نظر ارزش‌ها، ارزش‌هایی که رامنی و معاونش پل رایان آنها را نمایندگی می‌کنند چندان برتری ندارند؛ مثلاً هر کشور پیشرفته‌ای در جهان اکنون حق دسترسی به بیمه درمانی مطلوب را به رسمیت می‌شناسد و تلاش اوباما برای پیشبرد این طرح در آمریکا، گام مهمی تلقی می‌شود، اما رامنی منتقد این تلاش است و راه‌حلی هم به‌عنوان جایگزین آن پیشنهاد نمی‌کند.

آمریکا اکنون از این نظر منحصر به فرد است که در میان کشورهای پیشرفته جهان، کمترین برابری در دسترسی به فرصت‌ها را برای شهروندان فراهم کرده است. پیشنهادها برای کاهش شدید بودجه، در واقع فقر و طبقه متوسط را هدف می‌گیرد و تأثیر زیادی در نابرابری‌های اجتماعی می‌گذارد. همزمان، او به‌دنبال افزایش بودجه نظامی و تسلیحاتی برای مقابله با دشمنانی است که در ذهن او هستند و واقعیت ندارند. پیشنهادها او باعث ثروتمند شدن پیمانکاران نظامی دفاعی همچون هالیبرتون می‌شود و در مقابل کاهش بودجه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و آموزش را در پی دارد. حرف‌ها و سیاست‌های رامنی همه را به یاد دولت بوش می‌اندازد. مشاوران رامنی همان مشاوران دولت بوش هستند و گرایش‌های سیاسی اقتصادی آنها یکی است.

سه موضوعی که در دستور کار جهان و طرفداران جهانی شدن است را در نظر بگیرید: تغییرات آب‌وهوایی، ایجاد قوانین و مقررات مالی و تجارت. رامنی درباره موضوع نخست سکوت کرده و بسیاری از هم‌حزبی‌های او اساساً وجود مشکلی به نام تغییرات آب‌وهوایی را

منکر می‌شوند. پس جهان نمی‌تواند انتظار رهبری واقعی از رامنی را در این زمینه داشته‌باشد. درباره ایجاد قوانین و مقررات مالی، درحالی‌که بحران مالی و اقتصادی اخیر ضرورت ایجاد قوانین سختگیرانه‌تر را بیشتر آشکار کرده، اما توافق درباره بسیاری از مسائل مرتبط با این قوانین بسیار سخت به‌نظر می‌رسد. دلیل آن هم این است که دولت اوپاما بسیار به بخش‌های مالی نزدیک است. اما رابطه رامنی با این بخش بسیار نزدیک‌تر است. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که رامنی خود بخش مالی است.

یکی از مسائل مالی که درباره‌اش توافق جهانی وجود دارد، ضرورت تعطیل کردن مفرهای مالیاتی برای مالیات‌گريزان است. منظور کشورهایی است که به بهشت مالیات‌گريزان، پول‌شوها و افراد فاسد مالی تبدیل شده است، اما خود رامنی از کسانی است که پول‌هایش را به این مفرهای مالیاتی می‌فرستد. درباره تجارت، رامنی قول داده که با چین وارد جنگ تجاری شود و این کشور را رسماً به دستکاری در ارزش پول ملی متهم کند. اما به این نکته توجه نمی‌کند که آمریکا برای حفظ تعادل تجاری‌اش به چین نیاز دارد.

اگر پول ملی چین تقویت شود، آمریکا باید به فکر تولیدکنندگان ارزان‌قیمت‌تری برای پوشاک و دیگر محصولات باشد. نکته جالب توجه دیگر این است که کشورهای دیگر هم آمریکا را به دستکاری در پول ملی‌اش متهم می‌کنند. جهان از انتخابات آمریکا تأثیر زیادی می‌گیرد. متأسفانه اکثر مردم جهان که تحت‌تأثیر این انتخابات و نتیجه آن قرار می‌گیرند، هیچ قدرتی در اعمال نفوذ بر نتیجه آن ندارند.

*برنده نوبل اقتصاد و استاد دانشگاه کلمبیا